

Reflection of Kurdish News in the Safavid-Ottoman Conflicts: A Case Study of the 9th Grade Social Studies Textbook (First Intermediate), History Section in Schools in Iran and the Kurdistan Region of Iraq

Hossein Ali Beigi*,¹

¹ PhD in Islamic History; Lecturer, Department of Historical Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran

ABSTRACT

Keywords:

Safavid History,
Ottoman,
Kurds,
Social Studies

1 .Corresponding
author



hosainalibeigi@g
mail.com

Background and Objectives: With the rise of the Safavids, religious rivalries and territorial disputes resulting from the expansionism of the Ottomans led to wars and conflicts. In the meantime, the role of the Kurds living in the geography of these rivalries is important, and what positions the Kurds took in the conflicts between the Safavid and Ottoman governments and what were the reasons for their cooperation or stance in confronting these two powers is an important issue. **Methods:** Given the importance of this issue, the present study, by utilizing the descriptive-analytical method and using library resources and content analysis of selected textbooks, seeks to answer the question of to what extent the political position of the Kurds in the Chaldoran War has been considered and reflected in the news in the ninth-grade social studies textbook (first secondary school) - history section - which is taught in schools in Iran and the Kurdistan Region of Iraq?.

Findings: In this section the results of data analysis are explained. Related statistical tests and confidence intervals must be introduced and reported comprehensively and in detail. **Conclusion:** It is not the repetition of the findings. It should convey the final conclusion of the study which accompanies authors' suggestions and the discussion regarding the application of the results in their special field. Limitations and obstacles faced during the study should be mentioned in the conclusion section as well.

ISSN (Online):

DOI: <https://doi.org/10.48310/rhe.2025.16068.1144>

Received: 1403-01-04

Reviewed: 1403-05-29

Accepted: 1403-10-30

Citation (APA): Ali Beigi, H. (2025). Reflection of Kurdish News in the Safavid-Ottoman Conflicts: A Case Study of the 9th Grade Social Studies Textbook (First Intermediate), History Section in Schools in Iran and the Kurdistan Region of Iraq. *The Journal of Research in History Education*, 16(4), 90-103.  <https://doi.org/10.48310/rhe.2025.16068.1144>



بازتاب اخبار کردها در منازعات صفوی - عثمانی: مطالعه موردی کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه نهم (متوسطه اول)، بخش تاریخ در مدارس ایران و اقلیم کردستان عراق

حسین علی بیگی^{۱*}

۱. دکترای تاریخ اسلام؛ مدرس گروه علوم تاریخی دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران

چکیده

پیشینه و اهداف: با حاکمیت یافتن صفوی، رقابت‌های دینی - مذهبی و مناقشات سرزمینی که حاصل توسعه‌طلبی عثمانی‌ها بود، سبب بروز جنگ‌ها و کشمکش‌هایی شد. در این میان نقش کردهای ساکن در جغرافیای این رقابت‌ها حائز اهمیت است و اینکه در مناقشات میان حکومت‌های صفوی و عثمانی، کردها چه موضعی اتخاذ و دلایل همکاری یا موضع‌گیری آنها در مواجهه با این دو قدرت چگونه بوده مسئله مهمی است. **روش‌ها:** با توجه به اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر با بهره‌مندی از شیوه‌ی وصفی - تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای کتب درسی منتخب به دنبال پاسخ دادن به این پرسش است که موقعیت سیاسی کردها در جنگ چالدران تا چه میزان در کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه نهم (متوسطه اول) - بخش تاریخ - که در مدارس ایران و اقلیم کردستان عراق تدریس می‌شود، مورد توجه و اخبار آن بازتاب یافته است؟. **یافته‌ها:** نتایج این پژوهش نشان داد انعکاس اخبار حضور کردها در پهنه تاریخ و در متون درسی، بیانگر دستیابی دست‌اندرکاران نهادهای آموزشی اقلیم کردستان به مقاصد سیاسی است تا آگاهی بخشی و آموزش تاریخ به دانش‌آموزان و بازکردن افق جدید پیش روی آنها؛ این در حالی است که آموزش تاریخ در مدارس ایران اغلب موضوع کلی هویت ایرانی به دور از تفکیک قومیتی مطرح می‌باشد و همین امر سبب گردیده در کتاب مطالعات اجتماعی که در مدارس ایران تدریس می‌شود هیچ‌گونه اشاره‌ای به نقش کردها در این منازعات نشود. **نتیجه‌گیری:** انعکاس اخبار حضور کردها در پهنه تاریخ و در متون درسی، بیانگر دستیابی دست‌اندرکاران نهادهای آموزشی اقلیم کردستان به مقاصد سیاسی است تا آگاهی‌بخش به دانش‌آموزان و بازکردن افق جدیدی پیش روی آنها؛ این در حالی است که در تاریخ ایران موضوع کلی هویت ایرانی به دور از تفکیک قومیتی مطرح می‌باشد.

DOI:

واژه‌های کلیدی:

. تاریخ صفوی،

عثمانی،

کردها،

مطالعات اجتماعی،

۱. نویسنده مسئول:

hosainalibeigi@g
mail.com

تاریخ دریافت: 1403-01-04

تاریخ بازنگری: 1403-05-29

تاریخ پذیرش: 1403-10-30

مقدمه

آموزش و پرورش مهم‌ترین رسالت را در میان کشورها دارد. یکی از راه‌های دست یابی دانش-آموزان به معرفت و فهم تحولات تاریخی، آشنای آنها با سرگذشت اقوام پیشین، سرزمینشان و بررسی عوامل موفقیت و ناکامی آنها در طول تاریخ است. از این رو آموزش تاریخ نقش مهمی در شکل دادن به هویت ملی و قومی آن جامعه دارد. نقد و بررسی محتوای کتاب‌های درسی از جمله مباحثی است که باتوجه به ضرورت‌های آموزشی و تحولات رو به رشد آن از سوی پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. از این رو این مقوله می‌تواند در شناساندن نقاط ضعف و قوت کتب درسی رهگشا باشد.

در همه کشورها توجه ویژه‌ای به آموزش تاریخ به‌عنوان یکی از عوامل موثر در شناسایی سابقه تاریخی - تمدنی و هویت ملی می‌شود. در مدارس ایران و اقلیم کردستان عراق در دوره راهنمایی (متوسطه اول) برای آموزش و فهم تحولات تاریخی به دانش‌آموزان محتوای درسی با عنوان «مطالعات اجتماعی» تهیه شده تا دانش‌آموزان با جغرافیا، تاریخ و جامعه خود آشنا شوند. این موضوع در راستای اهداف آموزشی است که به شناخت دانش‌آموزان از تاریخ و فرهنگ آنان کمک کرده و آنها را در مواجهه با تهدیدهای ملی، قومی و فرهنگی ایمن می‌سازد.

برای پاسخ گویی و تبیین پرسش این پژوهش و میزان توجه به موقعیت سیاسی گُردها و جایگاه آنها در منازعات ایران صفوی و عثمانی به ویژه در جنگ چالدران، کتاب درسی مطالعات اجتماعی پایه نهم (در مدارس ایران) و کتاب باب‌ته کومه‌لایه‌تبییه‌کان (جوغرافیا، میژوو، هاونیشتمانی بوون)^۱ پایه نهم تحصیلی اقلیم کردستان عراق که حاوی مطالبی در باب حکومت صفوی و عثمانی است انتخاب و سپس با تحلیل محتوای این کتاب‌ها میزان توجه نهادهای آموزشی در دو جغرافیای متفاوت؛ به مسئله گُردها در رقابت‌های سیاسی صفویان با عثمانی‌ها پرداخته شده است. در این پژوهش مراد از تحلیل محتوا مجموعه مفاهیم، اصول، مهارت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌هایی است که از سوی برنامه ریزان و در جهت تحقق اهداف، انتخاب و ساماندهی می‌شود. به واقع محتوا وسیله‌ای برای تحقق اهداف به شمار می‌رود. از اینرو ضروری به نظر می‌رسد ویژگی‌های آن با اهداف موردانتظار متناسب باشد (Maleki, 2007,83).

پیشینه پژوهش

موضوع پژوهش حاضر فاقد پیشینه مطالعاتی است. از این رو در ابتدا به معرفی کتاب درسی «بابه‌ته کومه‌لایه‌تبییه‌کان»؛ بخش تاریخ، که در اقلیم کردستان به فراگیران آموزش داده می‌شود و سپس کتاب مطالعات اجتماعی مقطع راهنمایی (متوسطه اول) در مدارس ایران می‌پردازیم.

روش

رویکرد این پژوهش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از تحلیل محتوای کتب درسی مطالعات اجتماعی در ایران و اقلیم کردستان ساماندهی شده است.

یافته‌ها

بررسی کتاب مطالعات اجتماعی در مدارس ایران (متوسطه اول) و اقلیم کردستان نشان داد که نویسندگان این کتب دغدغه‌های متفاوتی در امر آموزش تاریخ به دانش آموزان دارند هرچند همگی تاکید بر موضوع هویت دارند اما در ایران هویت ملی شاکله اصلی مباحث است، اما در اقلیم کردستان صرفاً به هویت قوم کُرد تاکید شده است. از این رو در اقلیم کردستان، نویسندگان بیشتر در مورد تحولاتی که قوم کُرد در طول تاریخ از سرگذرانده بحث کرده و بحثی از هویت ملی نیست. اما در کتاب مطالعات اجتماعی ایران هویت ملی بیشتر مورد نظر است تا هویت قومی. از اینرو در طرح مباحث تاریخی از جمله جنگ چالدران اشاره‌ای به هیچ قومی از جمله کردها نشده است.

معرفی کتاب بابه‌ته کومه‌لایه‌تبییه‌کان اقلیم کردستان: کتاب اجتماعی پایه نهم

(پولی نویه‌می بنه‌ره‌تی) در مدارس اقلیم کردستان عراق تدریس می‌شود، شامل سه بخش جغرافیا، تاریخ و مدنی می‌باشد که در پایان هر عنوان، سوالاتی مطرح شده که دانش آموزان باید در قالب تحقیق کلاسی و با یاری گرفتن از معلم خود بدان‌ها پاسخ مناسب دهند. بنابراین در گام نخست دانش آموزان در فرآیند یادگیری مشارکت فعالی پیدا می‌کنند.

این کتاب در سال ۲۰۱۷ میلادی از سوی وزارت آموزش و پرورش اقلیم کردستان عراق در ۲۹۲ صفحه به چاپ رسیده است و در مجموع ۱۱۹ صفحه از این کتاب به مباحث تاریخی اختصاص یافته که با حمله مغول آغاز و با تحولات سیاسی عراق معاصر و شکل‌گیری اقلیم خودمختار کردستان در سال ۱۹۹۲ میلادی به پایان می‌رسد. مولفین بخش تاریخ (میژوو) دکتر محمد قادرپشدری، دکتر دلیر اسماعیل حقی شاپوس، دکتر سعدی عثمان حسین و دکتر

محمد عبدالله کاکه سور هستند. موضوع مورد بحث این پژوهش در بخش تاریخ کتاب پایه نهم تحصیلی گنجانده شده است.

معرفی کتاب مطالعات اجتماعی مدارس ایران: کتاب مطالعات اجتماعی که مدارس ایران - متوسطه اول (پایه نهم) - تدریس می‌شود شامل سه بخش تاریخ، جغرافیا و مدنی است. که در هر قسمت کار برگ‌هایی برای انجام فعالیت‌های کلاسی طراحی شده است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۳۹۴ از سوی شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران "سهامی خاص" منتشر شده و مؤلفان آن ناهید فلاحیان و عباس پرتوی مقدم هستند که زیر نظر شورای نظارت بر سازماندهی محتوا و تالیف - که جمعی از نویسندگان هستند - به انجام رسیده است. این کتاب دارای ۱۶۲ صفحه و دوازده فصل است که فصل پنجم آن (صفحات ۱۵۷-۱۱۲) به بررسی تاریخ ایران از عصر صفوی تا دوران حاکمیت جمهوری اسلامی ایران اختصاص یافته است.

جغرافیای تاریخی قلمرو گُردها : خاستگاه اولیه گُردها سرزمین پهناور ایران بوده است، اما تحولات سیاسی و نزاع میان حکومت‌ها و تقسیم قلمرو جغرافیای پادشاهان ایرانی و سیاست جابجایی جمعیتی در طول تاریخ سبب جدا شدن بخش‌هایی از سرزمین ایران و پراکندگی گُردها در سرزمین‌های کنونی همچون عراق، ترکیه و سوریه شده است. بنا به گزارش لردکرزن، بین ایالت‌های آذربایجان و کرمانشاه ولایت محدود اردلان واقع شده که همان کردستان خاص ایران است و بیشتر سکنه آن افرادی هستند که اقامتگاه ثابت دارند و حاکم‌نشین آن سنندج است (کرزن، ۱۳۸۰: ۷۰۴/۱) وی در ادامه می‌افزاید، اما قلمرو کلی گُردها سرحدات طبیعی یا سیاسی ندارد (همان، ۶۹۶/۱) چرا که بخشی از گُردها در قلمرو عثمانی اقامت داشتند. برخی از نواحی گُردنشین از جمله سیواس، حکاری، وان، دیاربکر (اسکندر بیک ترکمان، ۱۳۸۳: ۶۶۵/۲) از امارت‌های گُردنشین به شمار می‌رفتند. بنابراین اصطلاح کردستان گاهی برای بخشی از گُردها نواحی غربی (از نواحی آذربایجان تا سرحد کرمانشاه) و گاهی به بخشی از گُردهای ساکن در قلمرو عراق کنونی اطلاق می‌شده که البته ناحیه‌ای وسیع‌تر از این حدودات را شامل می‌شده (مینورسکی، ۱۳۷۹: ۱۹-۲۴) و بدلیسی نیز در صفحات مختلف شرفنامه بدان اشاره کرده است (بدلیسی، صفحات مختلف).

کردستان در منازعات صفوی و عثمانی بر مبنای تحلیل محتوای کتب پایه

نهم ایران و اقلیم کردستان: بنا به نوشته مؤلفین کتاب درسی مطالعات اجتماعی در اقلیم کردستان عراق، سرزمین کردستان در عصر صفوی به دلیل جنگ با عثمانی چند پاره شد و

بعدها این سرزمین به چهار قسمت تقسیم شد که امروزه هر بخشی از آن در سرزمین کشورهای ایران، عراق، سوریه و ترکیه است. علیرغم تهاجمات عدیده ای که به مناطق گُردنشین صورت می‌گرفت اما گُردها همچنان در قالب دولت‌های کوچک محلی به حیات سیاسی خود ادامه می‌دادند. از این میان می‌توان به میرنشین‌های پالو، برادوست، بادینان، حکاری و بوتان در شمال کردستان عراق، مکیان و اردلان در ایران و بادینان سوران و بابان می‌توان اشاره کرد. مؤلفین تعداد میرنشین‌ها را بیش از ۳۰ مورد دانسته‌اند (پشدری و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۲۷-۱۲۸).

اما آنها در این بخش تسریع نکرده‌اند که سرزمین پهناوری که گُردها در آن توطن داشته‌اند در اعصار کهن بخشی از سرزمین پهناور ایران بوده، که بنا به دلایلی از سرزمین ایران جدا شده و در عصر صفوی به دنبال جنگ چالدران و سپس قرارداد زهاب ۱۰۴۹ ه.ق بخش وسیعی از جغرافیای سرزمین گُردها از سرزمین اولیه ایشان منتزع شده است. به بود طوری که مؤلفین کتاب درسی مطالعات اجتماعی در ایران نوشته‌اند هدف صفویان دفاع از یکپارچگی جغرافیایی ایران در برابر دشمن خارجی (عثمانی‌ها) (فلاحیان و پرتوی مقدم، ۱۳۹۴: ۵۹)، اما به دلیل بی تدبیری شاهان صفوی بخش‌های از قلمرو ایران که موطن اصلی گُردها بود از آن جدا شد.

موضوعی که مؤلفین اقلیم کردستان برای دانش آموزان در این بخش گنجانده‌اند، تکاپوی شیوخ صفوی و شکل‌گیری دولت صفوی است. باتوجه به مواضع خصمانه‌ای که شاه اسماعیل صفوی در مقابل گُردها در پیش گرفت سبب گردید تا مؤلفین کتاب مطالعات اجتماعی در اقلیم کردستان عراق از حکومت شاه اسماعیل با عنوان حکومت "تندرو شیعه" یاد کنند (پشدری و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۲۸). هرچند شاه اسماعیل سیاست نادرستی در برابر گُردهای سنی مذهب در پیش گرفته بود اما استفاده از اصطلاحاتی چون «حکومت تندرو شیعه» در عصر حاضر و القاء این مفاهیم به دانش‌آموزانی که امروزه در کنار سایر پیروان مذاهب اسلامی از جمله شیعیان در سرزمین عراق زندگی می‌کنند مناسب به نظر نمی‌رسد. از طرفی مؤلفین ایرانی علت جنگ چالدران را شکل‌گیری سلسله قدرتمند و شیعه مذهب صفوی می‌دانند که سلطان عثمانی نسبت به این مساله ناخشنود بود از این رو سپاهی راهی ایران کرد (فلاحیان و پرتوی مقدم، ۱۳۹۴: ۵۹). سلطان عثمانی در ابتدا میرنشین‌ها را در مقام‌های خود ابقا کرد و با رهبران آن با نرمی برخورد نمود اما زمانی که قدرت خود را تثبیت کرد سیاست دشمنی با میرنشین‌های گُرد را در پیش گرفت.

بنابه نظر مؤلفین کتاب مطالعات اجتماعی در اقلیم کردستان عراق، سیاست شاه اسماعیل درباره گسترش تشیع در میان گُردها با توسل به زور همراه بود از اینرو امیران آنها را به زندان افکنده و سپس به نواحی تحت اختیار آنها لشکرکشی کرد (پشدری و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۳۰).

مولفین در این رابطه، دانش آموزان را به تحقیق درباره اینکه شاه اسماعیل چگونه در صدد بوده تا مذهب شیعه را به زور در میان گُردها گسترش دهد سوق داده‌اند. در مقابل نویسندگان کتاب مطالعات اجتماعی که در مدارس ایران تدریس می‌شود تنها به وقوع جنگ چالدران در شهر خوی امروزی اشاره کرده و هیچ گونه اطلاعاتی درباره نحوه مواجهه شاه اسماعیل با گُردها و علت عدم همکاری با وی و جغرافیای سرزمین آنها که در این مناقشات بیشترین آسیب را متحمل شده بود در اختیار دانش آموزان قرار نمی‌دهند (فلاحیان و پرتوی مقدم، ۵۹).

شاید یکی از دلایل این امر بنا به آنچه در مقدمه کتاب آمده است این موضوع باشد که «بخش اعظم کتاب به موضوعات ضروری برای همه دانش آموزان کشور اختصاص دارد و این کتاب تنها کلیاتی را در اختیار شما می‌گذارد. از شما معلم عزیز انتظار می‌رود در موارد مقتضی، تدریس موضوعات را با شرایط بومی و محلی منطبق کنید و به نیازهای خاص منطقه خودتان پاسخ دهید» (همان، مقدمه).

بنابراین معلم تاریخ وظیفه دارد زمانی که روابط حکومت صفوی و عثمانی و منازعات میان آنان به ویژه جنگ چالدران را بررسی می‌کند به مسئله گُردها به عنوان یکی از اقوام ایرانی و حضور آنان در این مناقشات و آسیب‌های که متوجه آنان بوده است اشاره کند که این موضوع از بحث‌های ضروری پیش روی معلم در آموزش تاریخ است. به هر روی با توجه به تبیین جایگاه سیاسی گُردها در دنیای کنونی و هویت بخشی به آنها در سرزمین عراق و ضرورت پرداختن به سرنوشت گُردها در طول تاریخ به ویژه دوران حاکمیت صدام حسین (۲۰۰۶-۱۹۳۷) که بیشترین آسیب را متحمل شده‌اند سبب گردیده تا سیاست نهادهای آموزشی در حکومت اقلیم کردستان عراق مبتنی بر توجه به شرح جزء به جزء حوادثی باشد که گُردها در طول تاریخ از سر گذرانده‌اند. افزون بر این نگاه نهادهای آموزشی در اقلیم کردستان «قومیتی» است در حالی که در ایران نهادهای آموزشی نگاهی ملی و فرهنگی به این مقوله دارند.

نویسندگان کتاب مطالعات اجتماعی در اقلیم کردستان عراق به تبیین سیاستی که شاه اسماعیل در پیش گرفت و سبب گردید تا گُردها در جنگ چالدران جانب سپاه سلطان سلیم عثمانی را بگیرند پرداخته‌اند. آنها برآنند که عملکرد منفی شاه اسماعیل تنها به واسطه سیاست اشتباهی بود که در قبال گُردها در پیش گرفته بود^۱ و همین امر سبب گردید تا سلطان سلیم از این فرصت به وجود آمده استفاده کرده و بعد از جلب همکاری گُردها و پیروزی

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک: فرخی و امین پور، «شاه اسماعیل، امرای کرد و از دست رفتن دیاربکر از ایران»، مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۲، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۱۱۴. ص ۱۰۹-۱۳۱؛ مفاخری و دیگران، «نقش کردها در نبرد چالدران و پیامدهای آن»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، دوره ۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۳۱۰-۲۸۹.

بر شاه اسماعیل، نامه‌های محبت‌آمیزی مبنی بر تشکر از میرنشین‌های ارسال کند (پشدری و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۳۵-۱۳۲). در تأیید این نظر نویسندگان کتاب مطالعات اجتماعی در اقلیم کردستان باید گفت که شاه اسماعیل در صدد بود تا منطقه گردنشین دیاربکر را تصرف کند برای اجرای این سیاست قراخان نامی با سپاه صفویان اعزام کرد اما نتیجه این اعزام چیزی جز شکست سپاه صفوی نبود. زیرا آنها در نزدیکی ماردین در نبرد قوچ حصار شکست خوردند (همان، ۱۳۶).

نتیجه این رویارویی جدایی دیاربکر از قلمرو صفوی بود (فرخی و امین پور، ۱۳۹۷: ۱۲۱-۱۲۲). در دوران شاه طهماسب صفوی ذوالفقارخان که رهبر طایفه موصول و از گردهای کلهر^۱ بود شهر بغداد را تصرف کرد اما با حمله سپاه صفوی مواجه و در نهایت کشته شد. به دنبال این سرکوب سپاه صفوی رو به سوی بدلیس نهادند چرا که گردهای بدلیس^۲ در منازعه چالدران جانب سپاه عثمانی را گرفته بودند، اما با روی کار آمدن سلطان سلیمان قانونی وی سپاهی به سوی بغداد روانه و بدون جنگ آن نواحی را در سال ۱۵۳۴ میلادی از صفویان گرفت و در سال ۱۵۴۶ میلادی توانست بصره نیز فتح کند (پشدری و دیگران، ۲۰۱۷: ۱۳۸-۱۳۹). بنا به نوشته مولفین کتاب، سیاست عثمانی در برابر گردها در ابتدا توأم با نرمش و سیاستی متعادل بود، اما با این حال برای تسلط بر آنان سیاست ایجاد تفرقه در میان طوایف کرد را در پیش گرفتند (همان، ۱۴۱-۱۴۲).

اتخاذ این سیاست سبب گردید تا گردها دست به قیام‌هایی بزنند. در متن کتاب برای آشنایی و مطالعه بیشتر دانش آموزان نمونه‌ای از قیام‌ها از جمله قیام برادوست در سال ۱۶۰۸ میلادی به رهبری امیرخان لیزرین که در ادبیات کردی به ماجرای قلعه دمدم^۳ معروف شده آمده است. قیام خاندان جانپولا در منطقه کلیس در شمال حلب در سال ۱۶۰۷ میلادی، قیام میرهای بابان، قیام قبادخان میر مکریان و در آخر قیام کردهای ایزدی در شنگال و شیخان و کوردهای زازا در دیسم نمونه‌هایی از قیام‌های گردها در برابر دولت عثمانی می‌باشد (همان، ۱۴۳). به طور کلی گردها از سیاست دو دولت صفوی و عثمانی بسیار آسیب دیده بودند و طی سال‌های متمادی سرزمین آن میان دو دولت دست بدست شد در نهایت با عقد قرارداد زهاب

۱. ایل کلهر، بزرگترین ایل ساکن در استانهای کرمانشاه و ایلام (ایوان) است و مردمان آن شیعه و کُردتبار هستند.
۲. بدلیس یکی از شهرهای ترکیه امروزی و مرکز استان بتلیس می‌باشد و بدلیسی صاحب کتاب شرفنامه منتسب به این شهر است.

۳. برای اطلاع بیشتر: ک. آقاجری و دیگران «شورش قلعه دم دم، چگونگی و علل آن در عصر شاه عباس اول»، فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء، دوره جدید، شماره ۹۰ (پیاپی ۹۱)، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۸-۱.

میان مراد چهارم عثمانی و شاه صفی سرزمین کردستان برای همیشه تقسیم شد (همان، ۱۴۶).

کردستان در سایه سار میرنشین‌های گُرد: علیرغم اینکه گُردها در سیاست دولت‌های صفوی و عثمانی در جغرافیای زیست خود آسیب‌های فراوان دیده بودند اما توانستند در سایه حکومت‌های محلی -میرنشین‌ها- به حیات سیاسی خود ادامه دهند. هر یک از طوایف قدرتمند گُرد در سایه طایفه «هوز» خود در محلی که استقرار داشتند روزگار خود را می‌گذراندند. البته آنان به سه شیوه معیشتی زندگی می‌کردند. ۱- گروهی که ساکن شهر و روستا بودند و زندگی یکجانشینی داشتند ۲- بخشی دیگر نیمه کوچرو بودند که ییلاق و قشلاق می‌کردند ۳- گروه سوم کوچرو بودند.

شیوه معیشتی در نواحی کردنشین مبتنی بر کشاورزی و دامداری بود. البته در مناطق شهری پیشه‌وری رواج داشته و دارای بازار و دکانین متعددی بوده و مؤلفین برآنند این امر از دلایل آبادانی مناطق شهری گُردنشین بوده است به عنوان نمونه بدلیس دارای ۹ کاروانسر و ۱۲۰۰ دکان بود و در همین دوران شهر «آمد» نیز بازار بزرگی داشت. شهر ملاطیه نیز وضعیت مشابهی داشت در دیاربکر نیز صنعتگران گُرد به ساخت شمشیر، بیل و تیشه که دارای شهرت فراوانی بودند (همان، ۱۴۹-۱۵۰) اشتغال داشتند. البته در این دوران در سایر مناطق گُردنشین مظاهر شهرنشینی و تمدنی فراوانی وجود داشت اما مؤلفین تنها به مناطقی که در شمال کردستان عراق و خارج از قلمرو کنونی اقلیم کردستان عراق قرار دارند اکتفا کرده و از دیگر شهرهای گُردنشین در اقلیم کردستان امروزی نمونه‌هایی ذکر نکرده‌اند. این پراکندگی مطالب ناشی از عدم تعیین حدود قلمرو سرزمین کردستانی است که مؤلفین اقلیم آن را مشخص نکرده‌اند.

درباره وضعیت بازرگانی و اقتصاد مناطق گُردنشین در این دوره مؤلفین به مراودات بازرگانی اهالی بدلیس با ایران و گرجستان اشاره کرده‌اند. همچنین بازرگانان شهر سلیمانیه با ایران و شهرهای تحت سلطه دولت عثمانی مبادلات بازرگانی داشته‌اند. البته مؤلفین برآنند که موقعیت خاص جغرافیای کردستان عراق و قرار گرفتن در مسیرهای مهم تجاری این بستر را فراهم کرده بود به طوری که بعدها کالاهایی مانند مازو (نوعی درخت بلوط)، توتون و کتیرا از مهمترین محصولاتی بود که از کردستان به اروپا صادر می‌شده است (همان، ۱۵۰).

به زعم مؤلفین، میرنشین‌ها در عرصه فرهنگی نیز خدماتی داشته‌اند به طوری که بخش اعظمی از آنها به حمایت از اهل علم روی آوردند به طوری که در شهر بدلیس بیش از ۷۰ مدرسه علمی دایر بود و یا اینکه در شهر وان این تعداد به ۲۰ مرکز می‌رسید. میرنشین بادیان نیز دارای چند مدرسه علمی بود. در شهر آمد نیز مدرسه علمی «قوبه‌هان» و

مرادخان دایر بود که دارای چند صد جلد کتاب و معلمین و علمای فراوانی در آن به تدریس مشغول بودند. میرنشین «سوران» نیز دارای مدرسه ای بنام «ماوران» بود که چندین عالم مشهور شهر موصل در این مرکز تحصیل علم را به پایان رسانده بودند. البته بخش اعظمی از این مدارس کارکرد دینی همانند مساجد داشتند و در آنها علوم دینی و شریعت اسلامی تدریس می‌شد. به واقع این مرکز در تنویر افکار عمومی مردم نقش موثری داشته و صدها اهل علم، ادیب و شاعر تربیت کردند مانند مولانا خالد نقشبندی، شیخ معروف نودهی، ابی سعد آمدی، که شیخ الاسلام دولت عثمانی شد. در عرصه تاریخنگاری نیز می‌توان به شرفخان بدلیسی، ملا محمود بایزیدی، و از شعرا می‌توان به احمد خانی، ملای جزیری، نالی، سالم، کوردی اشاره کرد (همان، ۱۵۱-۱۵۲) مؤلفین در این بخش به خوبی توانسته اند مدارس علمی، علما، مورخان و شاعرانی که در مناطق گردنشین زاده و تاثیر گذار بوده اند را به دانش آموزان معرفی کرده و آنان را با شخصیت‌های فرهنگی خود آشنا کنند.

موضوعی مهمی که مؤلفین در اقلیم کردستان به خوبی بدان پرداخته اند توجه به شکل‌گیری و تحولات حاکمیتی امارت‌های گردنشین در ایران، عراق و عثمانی (ترکیه امروزی) عصر صفوی و عثمانی است. که این امر از دید مولفین ایرانی غافل مانده است. مهمترین امارت‌های گردنشین عبارت بودند از: ۱- میرنشین اردلان که قلمرو آنها از کردستان با مرکزیت سنندج تا شهرزور و کرکوک گسترده بود. ۲- میرنشین بوتان که در جزیره بوتان (جزیره ابن عمر) استقرار داشتند. ۳- میرنشین بادینان که در قلعه «آمد» حضور داشتند. ۴- میرنشین سوران که در ناحیه رواندوز بودند. ۴- میرنشین بابان که قلمرو آنان شامل مناطق شاربازیر، کرکوک و کفری بود.

این میرنشین‌ها بعدها تسلیم قدرت عثمانی شده و حکومت آنها سقوط کرد و از طرف دولت عثمانی پاشاهایی به امارت مناطق گردنشین منصوب شد. از میان این میرنشین‌ها تنها میرنشین اردلان توانست به حیات سیاسی خود تا عصر قاجار ادامه دهد (همان ۱۵۲-۱۷۰). حکومت‌های محلی که در شرق قلمرو کردستان عراق بودند از جمله میرنشین اردلان بعدها که زیر سلطه قاجارها قرارگرفت شرایط چندان مناسبی نداشت. مؤلفین علت را در اختلافات مذهبی میان قاجارهای شیعه مذهب و گُردهای اردلان سنی مذهب می‌دانند (همان، ۱۷۳). سخت‌گیری‌های دولت عثمانی سبب گردید قیام‌هایی علیه دولت عثمانی صورت بگیرد از جمله شورش شیخ عبداللّه نه‌ری در ناحیه شم‌زینان است که نامه‌هایی به نمایندگان بریتانیا و روسیه نوشت اما مورد حمایت قرار نگرفت و در نهایت از طرف قاجارها سرکوب شد.

آسیب شناسی رویکرد نویسندگان کتاب مطالعات اجتماعی در ایران و اقلیم کردستان: در کتاب درسی مطالعات اجتماعی (بابه‌ته کومه‌لایه‌تییه‌کان) پایه نهم به دلیل عدم تعیین حدود قلمرو جغرافیایی ناحیه‌ای که کردستان خوانده و گُردها در آن اقامت داشته‌اند سبب گردیده مطالب پراکنده‌ای دربارهٔ برخی از سکونتگاه‌هایی که گُردها در آن اقامت داشته ارائه شود و سایر مناطق گُردنشین مورد توجه مؤلفین قرار نگیرد.

این مسئله در کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم در مدارس ایران نیز وجود دارد و مولفین هیچ گونه اشاره‌ای به قلمرو کردستان^۱ و مردمانش نکرده‌اند. البته به نظر می‌رسد یکی از دلایل این امر محدودیتی است که نویسندگان به هنگام نوشتن محتوای کتاب داشته‌اند. زیرا زمانی که کتاب تالیف شده نویسندگان با حجم انبوهی از داده‌های تاریخی مواجه بوده که گزینش و پرداختن به هر یک از مولفه‌های تاریخی تاثیر گذار در قلمرو ایران، سبب می‌گردید دانش آموزان با حجم عظیمی از مطالب مواجه شوند، که به ذهن سپردن آنها امری دشوار و از طرفی سبب می‌شد تا دانش‌آموزان از پرداختن به این حجم از مطالب تاریخی دلزده شوند. افزون بر این تاریخ انبانی از نام‌ها، زمان‌ها و جنگ‌ها نیست (تیمینز، ۱۳۹۸: ۸۹) که مؤلف در صدد گنجاندن آن در ذهن مخاطب برآید. از طرفی تنوع قومی در جغرافیای پهناور سرزمین ایران و پرداختن به نقش هر یک از اقوام در تحولات سیاسی در هر دوره تاریخی و آن هم به تفکیک سبب از هم گسیختگی مطالب تاریخی می‌شد.

افزون بر این، نباید از این مساله غافل بود که امروزه موضوع وحدت ملی تنها در سایه توجه به نقش همهٔ اقوام ایرانی محقق می‌گردد و سرزمین ایران و نقشه آن به مثابه موزائیکی است که هر یک از اقوام ایرانی یکی از پازل‌های آن به شمار می‌روند که در کنار هم قرار گرفتن آنها به تکمیل پازل این موزائیک و نقشه جغرافیایی سرزمین ایران منجر می‌گردد. بنابراین این شرایط دوگانه می‌تواند محدودیت‌هایی به همراه داشته باشد. از اینرو حوادثی که در طول تاریخ این سرزمین به وقوع پیوسته نه به صورت جزئی، بلکه به صورت گزارش‌های کلی که بیانگر هویت ملی ایرانیان است در کتب درسی گنجانده و مورد بررسی قرار گرفته است. به طوری که مولفین کتاب مطالعات اجتماعی پایه نهم به هنگام روی کار آمدن حکومت صفوی به این مطلب موزج بسنده کرده و می‌نویسند که، حکومت صفوی همهٔ اقوام ایرانی را زیر حاکمیت خود قرار داد و موجب همبستگی و اتحاد بیشتر ایرانیان شد (فلاحیان و پرتوی مقدم، ۱۳۹۴: ۵۹). اما از واگرایی و یا همگرایی آنان سخنی به میان نیاورده‌اند.

۱- در اینجا مراد از کردستان قلمرو جغرافیایی است که گُردها با هر گویش زبانی و مذهبی در آن ساکن هستند

نگاه مؤلفین ایرانی در این بخش کل گرایانه است. زیرا زمینه‌ای برای مطالعه ادوار کوتاه‌تر و مطالعه عمیق مضامین تاریخ در مقاطع بالاتر را فراهم کرده و بنیادی محتوایی برای دانش آموزانی که می‌خواهند در آینده به رشته تحصیلی تاریخ در دانشگاه روی بیاورند ایجاد کرده‌اند و این خود بستری است برای برانگیختن علائق جدید در دانش‌آموزان. البته در تالیف کتاب درسی تاریخ برای دانش‌آموزان در ایران و اقلیم کردستان عراق نباید از سیاست‌های آموزشی و حاکمیتی که تاثیر فراوانی بر محتوای درسی دارند غافل بود.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی محتوای بخش تاریخ کتب درسی مطالعات اجتماعی که در مدارس ایران و کردستان عراق تدریس می‌شود نشان داد که با توجه به سیاست‌های آموزشی و حاکمیتی که در سرزمین ایران حکمفرما است و از طرفی تنوع قومی و مشارکت هر یک از اقوام ایرانی در تحولات سیاسی و اجتماعی که در این سرزمین روی داده سبب شده که مؤلفین به بررسی جزء به جزء حوادثی که بر این سرزمین و اقوام آن گذشته نپردازند، زیرا این امر سبب از هم گسیختگی مطالب تاریخی و همچنین حجم انبوه‌ای از مطالب تاریخی می‌گردد که دانش‌آموزان باید آن را به ذهن بسپارند از اینرو در اهداف درس بیان شده است که معلم باید به فراخور شرایط بومی و محلی به تحلیل و تبیین حوادث بپردازد. و از طرفی نویسندگان نگاه قومی به مسائل تاریخی این سرزمین ندارند و در تبیین مسائل وحدت ملی را در نظر دارند. اما در اقلیم کردستان عراق باتوجه به ساختار سیاسی و تلاشی که در جهت استقلال سیاسی اقلیم از سرزمین کنونی عراق صورت گرفته است تلاش شده تا مباحث بیشتر در قالب بحث «قومیت گرد» گنجانده شده، از اینرو مؤلفین برای تبیین مولفه‌های هویت قومی در جریان تحولاتی که در طول تاریخ به وجود آمده در صدد برجسته کردن نقش گردها در سرزمین و جغرافیای امروزی عراق هستند.

در واقع آنها موضوع گردها را در طول تاریخ و در جریان حوادث مطمع نظر قرار داده‌اند. اما با این حال هیچ اشاره‌ای به خاستگاه اولیه آنها یعنی سرزمین ایران و یا اشتراکات فرهنگی و زبانی با گردهای ایران نکرده‌اند. از طرفی انعکاس اخبار حضور گردها در پهنه تاریخ و در متون درسی، بیانگر دستیابی دست‌اندرکاران نهادهای آموزشی اقلیم کردستان به مقاصد سیاسی است تا آگاهی بخش به دانش‌آموزان و بازکردن افق جدیدی پیش روی آنها؛ این در حالی است که در تاریخ ایران موضوع کلی هویت ایرانی به دور از تفکیک قومی مطرح می‌باشد و همین امر سبب‌گردیده در کتاب مطالعات اجتماعی که در مدارس ایران تدریس می‌شود هیچ گونه اشاره‌ای به نقش گردها در این جنگ نشود.

مشارکت نویسندگان

تمام بخش‌های مقاله توسط نویسنده مسئول انجام گرفت.

تشکر و قدردانی

تعارض منافع

«هیچ‌گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»



COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

References

- Aghajari et al., (2011), "The Dam Dam Castle Rebellion, Its Structure and Causes in the Era of Shah Abbas I", Scientific and Research Quarterly of Islamic and Iranian History, Al-Zahra University, New Volume, No. 9 (91 Series), pp. 1-18. [In Persian]
- Badlisi, Sharafkhan, (2008), Sharafnameh, edited by Vladimir Voliaminov, Tehran, Asatir. [In Persian]
- Curzon, George Nathaniel Lord, (2001), Iran and the Iranian Case, translated by Gholam Ali Vahid Mazandarani, Tehran, Alami Farhangi, 5th edition.
- Eskandar Bek Turkman, (2004), History of the Abbasid World, edited by Iraj Afshar, Tehran, Amir Kabir, 3rd edition. [In Persian]
- Fallahian, Nahid, Partovi Moghadam, Abbas, (2015), Social Studies for the 9th Grade of the First Year of High School, Tehran, Iran Textbook Publishing Company, First Edition. [In Persian]
- Farrokhi and Aminpour, (2018), "Shah Ismail, the Kurdish Emirs and the Loss of Diyarbakir from Iran", Journal of Historical Research in Iran and Islam, No. 22, Spring and Summer, pp. 109-131. [In Persian]
- Mafakheri, Behzad, Khezri, Ahmad Reza, Yousefi, Osman, (2019), "The Role of the Kurds in the Battle of Chaldran and Its Consequences", Journal of the History of Islamic Civilization, Volume 52, Autumn and Winter, pp. 310-289. [In Persian]
- Maleki, H. & habibipour, M. (2007) The basic goal of fostering critical thinking education. Journal of Educational Innovations, No. 19, pp. 93-108.
- Minorsky, Vladimir, (1379), Kurdish, translation and explanation, Habibollah Tabani, Tehran, Gostareh.

- Pashdari, Qader Mohammad, (2017), The New Political System of the Islamic Republic of Iran, 13th Edition, Kurdistan.
- Timmins, Jeff, et al., (2019), Teaching and Learning History, Translated by Mohammad Ghafouri, Tehran, Samt.

